

میدون و سوفیا

چرا اسیدپاش اردبیل خودکشی کرد؟



یوریا عالمی

● مردی در اردبیل پس از اسیدپاشی به صورت همسر سابق خود، با خودکشی به زندگی خود پایان داد.

بابای سوفیا می‌گوید این خبر را ایرنا داده است و از من می‌پرسد: «چرا این آقا خودکشی کرد؟»

جواب‌های من:

- مرد اسیدپاش نگاه کرده دیده هنوز که هنوزه اسیدپاش‌های اصفهان دستگیر نشده‌اند و آزادانه دارند لابه‌لای مردم می‌لولند. برای همین فکر کرده درست نیست به‌عنوان یک اسیدپاش سال‌های‌سال با سر بلند بین مردم زندگی کند. در نتیجه تصمیم گرفته خودش دست‌به‌کار شود.

- اسیدپاش قصه ما دیده تا حالا هر چی دلال دلار بوده دستگیر شده که بازار ارز فلان شود. این بنده خدا دیده با این فرمول بخواهند جلوی اسیدپاشی را بگیرند، الان دیه‌فروش‌ها و پارچ‌فروش‌ها را دستگیر می‌کنند که چرا دبه و پیارچ فروختید که مردم توش اسید بریزند؟

- اسیدپاش مذکور زیر بار زندگی زاییده بوده. نه شقی داشته، نه شغل داشته، نه زندگی، نه آینده، نه بیمه و نه دلاری که هی برود بالا، برای همین دیده چه کاری است؟ اصلا زنده بماند که چه؟ وقتی من این حرف‌ها را می‌زنم سوفیا دارد زارزار گریه می‌کند.

اتفاق

نکوداشت مقام خبرنگار



● ایسنا: سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حضور در منزل زنده‌یاد «علیرضا

تلیانی»، دبیر درگذشته ایسنا، ضمن دیدار و گفت‌وگو با همسر، پدر و برادر آن مرحوم، یاد او را در روز نکوداشت مقام «خبرنگار» گرامی داشت. در این دیدار صمیمانه، سیدمحمد طباطبایی و علیرضا بهرامی نیز حضور داشتند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۷ • ۲۴ ذی‌القعدة ۱۴۳۹ • ۹ آگوست ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۲۱۶ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۲۰ • اذان صبح فردا ۴:۴۵ • طلوع آفتاب ۶:۱۹

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

جلال پیرمرز آباد

وزیر نیرو: گرفتار بدمصرفی شدیم



ساسان کلفر: فرارسیدن ۱۷ مرداد، روز خبرنگار، فرصتی پیش آورد که نظر دکتر مهدی محسنیان‌راد، «استادتمام» رشته ارتباطات و روزنامه‌نگاری و نویسنده کتاب‌هایی همچون «روش‌های مصاحبه خبری»؛ چاپ دوم، «ارتباط‌شناسی»، چاپ هجدهم، «روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری در ایران» و «ریشه‌های فرهنگی ارتباط در ایران» را درباره مسائل و مشکلات روزنامه‌نگاری امروز در ایران جویا شویم.

● به‌نظر شما بین فضای آکادمیک و فضای روزنامه‌های ما رابطه خوبی برقرار است؟ به جای خوب یا بد، باید بگویم اصلا در ایران نمی‌تواند چنین رابطه‌ای برقرار شود. چون به‌واقع برقراری آن نه در اراده دانشگاهیان و در حد قدرت دانشگاه‌هاست که آن را فراهم کنند و نه در قدرت شما روزنامه‌نگاران است که بتوانید این را عملی کنید.

● چرا؟ ببینید، در همه‌جای دنیا بین دانشگاه‌های واقعی و اندیشه‌های منبعث از قدرت و منابع قدرت مرز خاصی وجود دارد؛ فرق نمی‌کند در ایران یا هر جای دیگر، یک مرز مفهومی مهم بین این دو وجود دارد. علت هم این است که دانشگاه ماهیتا آرمان‌خواه است و آرمان آن هم نه منشأ ایدئولوژیک یا منافع فردی و مسلکی و حزبی دارد و نه خوشامد کلیسا و ژنرال‌های چهارستاره و سرمایه‌داران بزرگ و ایدئولوگ‌های متعصب است. آرمان دانشگاه، منظوم همان‌طور که خواستم روی واقعی تاکید کنید، یک دانشگاه درست است و نه یک دانشگاه ساختگی، بلکه برخاسته از دستاوردهای علمی. بنابراین اگر فرض کنیم مهم‌ترین وظیفه برای روزنامه‌نگاران شاغل در جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته‌ای که یک نظام سیاسی و مسلکی خاص دارد، «دیده‌بانی جامعه» باشد و متعاقبا دانشگاه توضیح دهد که مقصود از جامعه فقط مردم نیستند بلکه حوزه وسیعی است شامل تمامی کشرگران حوزه قدرت، همه تلاشگران سازمان‌های عریض و طویل مسنگارن دیداری تازه کردند. از جمله این چهره‌های می‌توان به مسئولان و فعالان سازمان مردم‌نهاد خبریه رعد که در حوزه توان‌بخشی به معلولان جسمی- حرکتی فعالیت می‌کند، سیدفرید موسوی، عضو حزب اتحاد ملت ایران اسلامی و نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، دکتر حجت‌الله صیدی، مدیرعامل بانک صادرات ایران و سپینتا نیکنام، عضو شورای اسلامی شهر یزد و رئیس کمیسیون برنامه‌وپودجه این شورا اشاره کرد.

آقای نیکنام که پس از ماجرای مشهور تعلیق عضویت در شورا با حکم دادگاه، از ۳۰ تیر ۱۳۹۷ رفع تعلیق شد و پس از ماه‌ها توانست بار دیگر بر کرسی شورا تکیه بزند، علت حضور خود در تحریریه روزنامه را علاوه‌بر تبریک‌گفتن این روز به روزنامه‌نگاران، اقدامی برای ابراز تقدیر و تشکر از کمک رسانه‌ها و همراهی با او در ماجرای تعلیق ذکر کرد.

«من امروز اول برای تبریک و خجسته‌باد این روز به اینجا آمده‌ام برای تقدیر از عزیزان خبرنگار. عقیده‌ام این است که نقش اجرایی مسئولان ما در شورای‌عالی استان‌ها، نمایندگان محترم مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام و دیگر عزیزان دولتمرد ما در استانداری، فرمانداری و دیگر نهادها همه در جای خود، نقش رسانه به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی و به‌عنوان نقش حمایتی اگر نبود، شاید نتیجه دیگری به دست می‌آمد. نقش رسانه‌ها در این موضوع بسیار پررنگ است. وظیفه خود دانستم که برای تقدیر و تشکر و تبریک در این روز به اکثر رسانه‌ها سر بزنم.

دکتر حجت‌الله صیدی نیز این روز را با این عبارات به روزنامه‌نگاران تبریک گفت:«در روزگار غربت راستی و زلالی و شرافت ، خبرنگاران شریف سرزمینم پیک راستاند و محرم یاران آشنا. زبان قلم‌هایشان گویا و قدم‌هایشان پویا باد.

ای پیک راستان خبریار ما بگو

احوال کل به بلبل دستان سرا بگو

ما محرمان خلوت انسیم غم مخور

با یار آشنا سخن آشنا بگو



گفت‌وگو

محسنیان‌راد:

روزنامه‌نگار باید دیده‌بان جامعه باشد که در ایران، نیست!

فرصت‌هایی فراهم شود که روزنامه‌نگاران گاهی با دیدگاه‌های دانشگاهیان آشنا شوند. این حداقل‌ها باید باشد اما حتی اگر این حداقل‌ها هم فراهم نشود، تا زمانی که بر سر رسالت اصلی رسانه‌ها در دیده‌بانی قدرت توافق نشود، تعامل ارگانیک بین دانشگاه‌ها و رسانه‌ها برقرار نخواهد شد.

● در واقع به‌نظر می‌رسد که رابطه یک‌طرفه‌ای بین دولتمردان با رسانه‌ها وجود دارد و روزنامه‌نگاران امکان سؤال و تحقیق درباره مسائل جاری کشور را ندارند. برای ایجاد این امکان چه راهکاری به نظرتان می‌رسد؟

شنیده‌ایم که گفته می‌شود تاریخ‌سازان تاریخ نمی‌خوانند... علتش شاید این است که فرصت این کار را ندارند تا بخوانند و عبرت بگیرند. وقتی یک نفر بیمار است باید مطلع باشد که با وضع موجود، مثلا نوع تغذیه‌اش، ورزش‌نکردن، مقدار خواب یا بیداری‌اش به جایی نمی‌رسد. دولت نیز اگر بیمار است، باید بداند با این شرایط به جای خوبی نمی‌رسد. خودش باید خواستار درمان شود. هرگز و در هیچ جا پزشک به دنبال بیمار نمی‌دود که به درگاه بیمار التماس کند تا او را درمان کند. بیمار است که به مطب مراجعه می‌کند و از او می‌خواهد درمانش کند. در بسیاری از کشورها پزشک سرخانه دارند و از توصیه‌های بهداشتی و درمانی آنها استفاده می‌کنند. قدرت هم در آنجا، فارغ از اینکه آن افراد چه شخصیتی دارند، آنان را می‌پسندند یا نمی‌پسندند، از نسخه‌های درمانی‌شان استفاده می‌کنند. در ایالات متحده آمریکا تا جایی که می‌دانم، هاروارد در رشته ارتباطات حرف اول را می‌زند یا دانشگاه کالیفرنیا شعبه سن‌دیگو رتبه چهارم ارتباطات در سراسر جهان را دارد. اطمینان دارم که برترین فارغ‌التحصیلان رشته ارتباطات در دانشگاه‌های آمریکا، نسخه‌نویسان سیاست‌گذاران رسانه‌ای آن کشور هستند.

در ایران چنین وضعی نداریم. در شرایط حاضر جامعه ایران به جایی رسیده است که بیمار به تحمل درد و مشکلات فراوان دچار شده و تنها راهش این است که بیمار به توصیه پزشکان این حوزه خاص، یعنی حوزه رسانه‌ها‌گوش کند. درمان را باید از حذف هر نوع انحصار رسانه‌ای از جمله رادیو و تلویزیون و برقراری واقعی آزادی بیان برای اجرای وظیفه دیده‌بانی رسانه‌ها آغاز کرد.

واکنش

شاعر زنده چه‌نیاز به مصحح دارد

علیرضا رئیس‌دانایی'



جناب آقای مختاباد یادداشتی در روزنامه «شرق» چاپ کرده‌اند در رنای اصغر فردی، پژوهشگر درگذشته تبریزی، ذکر خبر و یادباد افراد امری باارزش است و خوب است آقای مختاباد که چندسالی است رحل اقامت در کانادا افکنده، هنوز ارتباط قلمی خود را با سرزمین خود از یاد نبرده و هرازچندگاهی شاهد یادداشت‌هایی از ایشان هستیم.آشکار است که ایشان به‌خاطر دوستی و علاقه‌ای که به زنده‌یاد فردی دارند، با تعصب به دفاع از دوست اذدست‌رفته پرداخته، البته دامن انصاف را رها کرده و تعریضی آشکار به اینجانب و نشر نگاه داشته‌اند. اصغر فردی متولد سال ۱۳۴۲ است. وقتی ایشان دوساله بودند، همکار کتاب‌فروشی «شرق» بوده و فروشنده دیوان دوجلدی شهیار که انتشارات خیام چاپ می‌کرد، بوده‌ام. من در همان دهه ۴۰ با «جنگ سهند» که توسط شاگردان دکتر علی‌اکبر ترابی، جامعه‌شناس برجسته آن روزها، منتشر می‌شد و اشعاری از شهیار نیز در آن درج می‌شد، با اشعار این شاعر بزرگ معاصر آشنا شدم. گمان دارم که آقای مختاباد در آن سال‌ها هنوز دیده به جهان نگشوده بودند.کارنامه انتشارات نگاه گواه کاری است که در نزدیک به پنج دهه فعالیت خود انجام داده است. انتشار بیش از دوهزار و ۵۰۰ عنوان کتاب و گردآوردن نام اکثر بزرگان ادب و فرهنگ معاصر در کنار هم با صرف عمر، خون‌دل‌خوردن، نازکشیدن و دل به دل تگ‌تگ این بزرگان سپردن حاصل شده. نگاه در کنار اینها مجموعه‌ای بزرگ از بهترین آثار ادبی جهان، آثار نویسندگان نوگرای معاصر، شعرای جوان و کتاب‌های مرجع در حوزه‌های هنر و موسیقی را انتشار داده است.میلیون‌ها خواننده کتاب در ایران حداقل چند جلد از آثار منتشره نگاه را یا خوانده یا در کتابخانه‌های خود به یادگار دارند. صدها عنوان کتاب به سفارش نگاه ترجمه یا تالیف شده و امروز بی‌شک یکی از معتبرترین مؤسسات نشر در ایران به گواه خوانندگان واقعی کتاب در ایران است.حالا آقای مختاباد که از دور دوستی بر آتش دارند و از فشارهای اقتصادی نشر، نبود مواد اولیه، سخت‌گیری‌های رویه‌فرونی دایره ممیزی و جان‌کندن ناشر برای انتشار یک کتاب چندان خبری ندارند، صرفا به‌شکل احساسی اتهام پخته‌خواری را به یک ناشر قدیمی می‌زنند. شاید ایشان درکی از این ناکمه ندارند. در این صورت البته بر ایشان حرجی نیست. نگاه از سال ۱۳۵۲ فعالیت انتشاراتی خود را آغاز و با آثار بزرگانی مثل بهرام بیضایی، دکتر حسن مرندی، کریم کشاورز، ابراهیم خواجه‌نوری و باستانی‌پاریزی شروع کرده است.ایشان خبر ندارند که آثار زنده‌یاد شهیار در زمان حیات وی به‌صورت حق انتشار دائم آثار از طرف خودشان به انتشارات نگاه واگذار شده است. در زمان عقد قرارداد آقای شهیار حرفی از اصغر فردی نزدند و ایشان را به‌عنوان مصحح دیوان خود معرفی نکردند. اصولا دیوان یک شاعر در قید حیات چه نیازی به مصحح دارد، اما در همان زمان «نگاه» دیوان وی را در اختیار بیوک نیک‌اندیش که دوست شهیار و مورد وثوق شاعر بود، سپرد و پس از آن متن آماده به انتشار آن از نظر پروفیسور حمید محمدزاده هم گذشت. پس از آن هم نشر نگاه برای پیشگیری از ورود اغلاط چاپی با ایرادات مطبعی کار را به کریم مشروطه‌چی که از پژوهشگران شناخته‌شده ادبیات آذری هستند سپرد و متن ویراسته آن به چاپ رسیده است.ضمن اینکه اصغر فردی در تمام این سال‌ها که انتشارات نگاه دیوان شهیار را چاپ کرده، نه تماسی با ما داشته، نه ایرادی از ایشان به دست ما رسیده و نه ادعایی مبنی‌بر تصحیح دیوان شهیار. پس این چه ادعایی است که از طرف آقای مختاباد عنوان می‌شود.حق نیست افراد بدون داشتن اطلاعات لازم از جریان دست به اتهام‌زنی و تهمت‌پراکنی بزنند. این روشی ناصواب است و حق را از مسیر طبیعی خود منحرف می‌کند.

❖مدیر انتشارات نگاه